

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه الزهراء (س)

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته روانشناسی تربیتی

عنوان

طراحی و آزمایش برنامه ی آموزش مهارت های شناختی  
جهت بهبود انگیزه ی پیشرفت و کارکرد آموزشی دختران نوجوان

استاد راهنما

دکتر مهناز اخوان تفتی

استاد مشاور

دکتر ملوک خادمی

دانشجو: فاطمه خانی

دی ۱۳۹۱

کلیه دستاوردهای این تحقیق متعلق به

دانشگاه الزهرا(س) است.

## تقدیم به

پدر و مادر مهربانم

برادر و خواهر دلسوزم

همسر صبورم

و تمام آزاد مردانی که نیک می اندیشند و عقل و منطق را  
پیشه خود نموده و جز رضای الهی و پیشرفت و سعادت  
جامعه، هدفی ندارند.

دانشمندان، بزرگان، و جوانمردانی که جان و مال خود را در  
حفظ و اعتلای این مرز و بوم فدا نموده و می نمایند.

## سیاسگزاری

سپاس و ستایش حقیقی پروردگاری را سزاست که با قلم قدرت خویش جامعه بشریت را به زیور علم و دانش آراست و این گونه انسان را اشرف مخلوقات قرار داد.

بر خود لازم می دانم به مصداق حدیث " **لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق** "

از زحمات و رهنمودهای بی دریغ استاد ارجمند **سرکار خانم دکتر اخوان** که در پرتو راهنمایی های ارزنده و دقیق ایشان، این پایان نامه به ثمر رسید نهایت تشکر و قدردانی را نمایم.

همچنین مراتب قدردانی و سپاس خود را از **سرکار خانم دکتر خادمی** که اینجانب را در تهیه و تنظیم این تحقیق یاری نمودند ابراز می دارم.

در پایان وظیفه خود می دانم مراتب سپاس و امتنان را نسبت به اساتید و بزرگوارانی که در طول این دوره تحصیلی در محضر آنان بوده ام ابراز نمایم.

خانی

## چکیده

به فرایندها و فعالیتهایی که در ذهن انسان اتفاق میافتد، فرایندهای شناختی میگویند و به میزان توانایی و قابلیت که افراد در زمینهی فرایندهای ذهنی دارند، مهارتهای شناختی میگویند. در این پژوهش با طراحی و آزمایش برنامهی مهارتهای شناختی، تأثیر آن بر بهبود انگیزهی پیشرفت و کارکردآموزشی دختران نوجوان بررسی شد. پژوهش از نوع آزمایشی با دو گروه آزمایش و گواه بر روی ۲۰ نفر از نوجوانان دختر و با روش نمونه گیری تصادفی انجام شد. اندازههای مربوط به متغیر وابسته (انگیزهی پیشرفت) به وسیله آزمون "پرسشنامه انگیزهی پیشرفت هرمنس" مورد اندازهگیری قرار گرفتند. به دنبال آن گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقهای تحت آموزش "برنامهی مهارتهای شناختی" قرار گرفتند. برنامهی آموزش مهارتهای شناختی شامل مهارتهای حل مسئله، تصمیمگیری، مدیریت زمان و برنامهریزی بود. پس از اتمام کاربندی متغیر مستقل در گروه آزمایش، هر دو گروه به وسیله آزمون "پرسشنامه انگیزهی پیشرفت هرمنس" مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند. ارزیابی آزمودنیها در کارکرد آموزشی نیز از طریق مقایسه معدل آزمودنیها در دو ترم آموزشی صورت گرفت. داده - های به دست آمده با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که:

- آموزش مهارتهای شناختی موجب بهبود انگیزهی پیشرفت نوجوانان گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شد.
- آموزش مهارتهای شناختی موجب بهبود کارکرد آموزشی نوجوانان گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شد.

**واژگان کلیدی:** مهارتهای شناختی، انگیزهی پیشرفت، کارکرد آموزشی، نوجوانان

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل یک: معرفی پژوهش

|   |                       |   |
|---|-----------------------|---|
| ۱ | مقدمه                 | ۱ |
| ۲ | بیان مسئله            | ۴ |
| ۴ | اهمیت و ضرورت پژوهش   | ۳ |
| ۵ | اهداف پژوهش           | ۴ |
| ۶ | متغیرهای پژوهش        | ۵ |
| ۶ | تعریف نظری متغیرها    | ۶ |
| ۷ | تعریف عملیاتی متغیرها | ۷ |

### فصل دو: بنیان نظری و پیشینه‌ی پژوهش

|    |  |   |
|----|--|---|
| ۸  | مقدمه  | ۲ |
| ۹  | تعریف مهارت‌های شناختی                                   | ۴ |
| ۹  | برنامه آموزش مهارت‌های شناختی                            | ۳ |
| ۱۱ | ابعاد مهارت‌های زندگی                                    | ۴ |
| ۱۱ | ابعاد مهارت‌های شناختی                                   | ۵ |
| ۱۲ | ۱-۵-۲ مهارت حل مسئله                                     | ۲ |
| ۱۵ | ۲-۵-۲ مهارت تصمیم‌گیری                                   | ۲ |
| ۱۷ | ۳-۵-۲ مهارت مدیریت زمان و برنامه‌ریزی                    | ۲ |
| ۲۰ | ۶-۲ مبنای تئوریک و نظریه‌ای برنامه آموزش مهارت‌های زندگی | ۶ |
| ۲۰ | ۱-۶-۲ نظریه رشد کودکان و نوجوانان                        | ۲ |
| ۲۳ | ۲-۶-۲ نظریه یادگیری اجتماعی                              | ۲ |
| ۲۴ | ۳-۶-۲ نظریه هوش‌های چندگانه                              | ۲ |
| ۲۵ | ۴-۶-۲ رویکرد روانشناسی‌سازایی‌گری                        | ۲ |
| ۲۶ | تعریف انگیزش و انگیزه                                    | ۷ |
| ۲۷ | نظریه‌های انگیزش   | ۸ |

|         |                                       |      |
|---------|---------------------------------------|------|
| ۲۷..... | ۱-۸-۲ رویکرد رفتارنگر انگیزش          |      |
| ۲۸..... | ۲-۸-۲ رویکرد انسان گرایی انگیزش       |      |
| ۲۹..... | ۳-۸-۲ رویکرد سازایی گری انگیزش        |      |
| ۳۲..... | انگیزش پیشرفت                         | ۹ ۲  |
| ۳۴..... | ۱-۹-۲ الگوی انگیزش پیشرفت اتکینسون    |      |
| ۳۶..... | ۲-۹-۲ نظریه نظام های انگیزشی ام. فورد |      |
| ۳۸..... | انگیزهی پیشرفت تحصیلی                 | ۱۰ ۲ |
| ۴۱..... | کارکرد آموزشی (پیشرفت تحصیلی)         | ۱۱ ۲ |
| ۴۲..... | جمع بندی                              | ۱۲ ۲ |
| ۴۴..... | مروری بر پژوهش های انجام شده پیشین    | ۱۳ ۲ |
| ۴۸..... | جمع بندی                              | ۱۴ ۲ |
| ۴۸..... | فرضیه های پژوهش                       | ۱۵ ۲ |

### فصل سه: روش پژوهش

|         |                                 |     |
|---------|---------------------------------|-----|
| ۴۹..... | مقدمه                           | ۱ ۳ |
| ۴۹..... | روش سنجش و چارچوب داده گیری     | ۲ ۳ |
| ۵۰..... | جامعه پژوهشی، نمونه و روش گزینش | ۳ ۳ |
| ۵۰..... | ابزارهای پژوهش                  | ۴ ۳ |
| ۵۱..... | شیوه ی اجرای پژوهش              | ۵ ۳ |
| ۵۲..... | روش پردازش دادهها               | ۶ ۳ |

### فصل چهار: تجزیه و تحلیل دادهها

|         |   |     |
|---------|---|-----|
| ۵۳..... | مقدمه                                       | ۱ ۴ |
| ۵۴..... | آمار توصیفی                                 | ۲ ۴ |
| ۵۴..... | ۱-۲-۴ آمارهای توصیفی نمرههای انگیزهی پیشرفت |     |
| ۵۵..... | ۲-۲-۴ آمارهای توصیفی نمرههای کارکرد آموزشی  |     |
| ۵۶..... | بررسی هنجار بودن و پایایی متغیر هم تغییر    | ۳ ۴ |
| ۵۸..... | آزمون فرضیههای پژوهش                        | ۴ ۴ |



## فصل پنج: بحث و نتیجه گیری

|         |                            |   |   |
|---------|----------------------------|---|---|
| ۶۶..... | مقدمه                      | ۵ | ۱ |
| ۶۶..... | هدف و فرایند انجام پژوهش   | ۵ | ۲ |
| ۶۷..... | بحث در یافته‌های پژوهش     | ۵ | ۳ |
| ۷۱..... | کاستیها و پیشنهادهای پژوهش | ۵ | ۴ |
| ۷۳..... | فهرست منبع ها              |   |   |

پیوستها

پیوست ۱: برنامه‌ی آموزش مهارت‌های شناختی

پیوست ۲: پرسشنامه انگیزهی پیشرفت هرمنس

چکیده انگلیسی

صفحه عنوان انگلیسی

## فهرست جداول

|  |    |
|--|----|
| جدول ۱-۴ آمارهای توصیفی نمره‌های انگیزهی پیشرفت  | ۵۴ |
| جدول ۲-۴ آمارهای توصیفی نمره‌های کارکرد آموزشی   | ۵۵ |
| جدول ۳-۴ آزمون کولموگرف- اسمیرونوف برای بررسی هنجار بودن توزیع متغیرهای اصلی                                     | ۵۷ |
| جدول ۴-۴ تحلیل واریانس برای بررسی همگنی شیبهای رگرسیون   | ۵۹ |
| جدول ۵-۴ نتایج آزمون لون (همگنی واریانسها)   | ۶۰ |
| جدول ۶-۴ نتایج تحلیل کواریانس یک متغیره روی نمره‌های پس‌آزمون نمره‌های انگیزهی پیشرفت با گواه نمره‌های پیش آزمون | ۶۰ |
| جدول ۷-۴ تحلیل واریانس برای بررسی همگنی شیبهای رگرسیون   | ۶۳ |
| جدول ۸-۴ نتایج آزمون لون (همگنی واریانسها)   | ۶۳ |
| جدول ۹-۴ نتایج تحلیل کواریانس یک متغیره روی نمره‌های پس‌آزمون نمره‌های کارکرد آموزشی با گواه نمره‌های پیش‌آزمون  | ۶۶ |

## فهرست نمودارها

|   |    |
|---|----|
| نمودار ۱-۴ میانگین نمره‌های انگیزهی پیشرفت در گروه‌های گواه و آزمایش          | ۵۵ |
| نمودار ۲-۴ میانگین نمره‌های کارکرد آموزشی در گروه‌های گواه و آزمایش           | ۵۶ |
| نمودار ۳-۴ خط رگرسیون نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون انگیزهی پیشرفت در دو گروه | ۵۸ |
| نمودار ۴-۴ خط رگرسیون نمره‌های پیش و پس از آموزش کارکرد آموزشی در دو گروه     | ۶۲ |

# فصل یک

## معرفی پژوهش

## ۱- مقدمه

جامعه و به ویژه فعالان آموزشی، نسبت به سرنوشت، رشد و تکامل موفقیت آمیز و جایگاه فرد جامعه، علاقمند است و انتظار دارد فرد در جوانب گوناگون اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارتها، آنچنان که باید، پیشرفت کند و تعالی یابد. با توجه به این که میزان پیشرفت در افراد به انگیزهی پیشرفت و کارکرد آموزشی آنان بستگی دارد، بنابراین ضروری است که عوامل تأثیرگذار بر این دو مورد مورد مطالعه قرار گیرد.

مطالعه عوامل مؤثر بر انگیزهی پیشرفت طی سه دهه اخیر بیش از پیش مورد توجه متخصصان تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در گذشته بسیاری از پژوهشگران رابطه بین فرایندهای شناختی- انگیزشی را با کارکرد آموزشی به طور جداگانه بررسی کرده‌اند، ولی امروزه اکثر روانشناسان به هر دو مؤلفهی شناخت و انگیزش و نقش آنها در آموزش توجه دارند (باتلر و وین، ۱۹۹۵؛ علی بخشی و زارع، ۱۳۸۹).

در همین راستا، در چند دهه اخیر رویکردهای تلفیقی، نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده و در سایهی کاربست این رویکردها "آموزش مهارتهای شناختی" در حوزه آموزشی به کار گرفته میشود. بنیادهای نظری مهارتهای شناختی بر رویکرد سازاییگری استوار است. این رویکرد جدید در راستای آموزش بر سازا بودن شناخت انسان تأکید میکند و در چند سال گذشته نیز نگاه آموزششناسان را نیز به خود جلب کرده است (ترازی، حمیدی، خادمی، ۱۳۹۱).

## ۱-۲ بیان مسئله

نوجوانی دوره‌های از تحول است که با تغییرات سریع فیزیولوژیکی، شناختی، هیجانی و رفتاری همراه است و از آن به عنوان دوره آمادگی و کسب مهارت برای زندگی در بزرگسالی یاد میشود (کرامر و بروکز، ۱۹۹۶؛ به نقل از آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۴).

- امروزه عدم وجود علاقه و انگیزه در برخی نوجوانان یکی از مشکلاتی است که دست اندرکاران مسائل آموزشی در تعلیم و تربیت با آن مواجه هستند. شاید بتوان گفت افت سطح علمی یا تحصیلی موجود، رخوت و سستی که در حال حاضر کیفیت و کمیت تعلیم و تربیت جامعه را تهدید میکند، از پیامدهای این مشکل میباشد (انصاری، ۱۳۸۹).
- ایجاد انگیزه پیشرفت در نوجوانان، باید مورد توجه نظام آموزشی قرار گیرد، زیرا علاوه بر اینکه میزان انگیزش میتواند تفاوت عمده‌های را در موفقیت و شکست تحصیلی به وجود آورد، این انگیزه برای جامعه نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. برخی معتقدند، جوامعی رو به پیشرفت و تعالی هستند که انگیزش کار کردن و پیشرفت در میان آنها بالا باشد (مک کلند، ۱۹۶۱؛ به نقل از سیف، ۱۳۶۸). گیج و برلایندر (۱۹۹۲) "انگیزه پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک زمینه فعالیت خاص تعریف کرده‌اند" (سیف، ۱۳۸۴؛ ص: ۳۵۴).

از طرف دیگر، پژوهشهای هم‌هنگام‌شناختی نشان میدهند اکثر نوجوانان از مهارتهای لازم برای زندگی برخوردار نیستند و ضعف عمده‌های که در مهارتهای شناختی، هیجانی، انگیزشی و رفتاری دارند، سبب شده که انگیزه پیشرفت پایین، طرد شدن از سوی همسالان و مشکلات تحصیلی نظیر افت تحصیلی، ترک تحصیل و غیره رنج ببرند (وزارت علوم تحقیقات و فن آوری، ۱۳۸۰؛ به نقل از یار احمدیان، ۱۳۸۸).

آموزش مهارتهای شناختی همچون حل مسئله، تصمیم‌گیری، مدیریت زمان، و برنامه‌ریزی نیز از اهداف بنیادی نظامهای آموزشی است. در نظام آموزشی ایران نیز آموزش این مهارتها

به نوجوانان به طور صریح و یا ضمنی جزو اهداف آرمانی تعلیم و تربیت یا حتی دروس خاص در دوره‌های گوناگون تحصیلی ذکر شده است (صافی، ۱۳۷۹). با این حال تحقیقات متعددی نشان می‌دهند که نظام آموزشی کشور چندان هم در آموزش این مهارتها توفیق نداشته است (رمضانخانی و سیاری، ۱۳۷۹؛ کیامنش، ۱۳۷۹؛ فرزام نیا، ۱۳۸۱؛ میرزاده، ۱۳۸۱؛ به نقل از ادیب، ۱۳۸۵).

مستقیمترین روش مداخله در این زمینه، مداخله‌هایی است که منابع مقابل‌های اشخاص و تواناییهای فردی و اجتماعی آنها را تقویت کند. در رابطه با کودکان و نوجوانان، این نوع مداخله را میتوان از طریق آموزش مهارت‌های شناختی و در محیط آموزشی ارائه نمود (کرین برگ و همکاران، ۲۰۰۳، سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۹۴؛ به نقل از یاراحمدیان، ۱۳۸۸).

حال پرسش پژوهش حاضر این است که آیا با اجرای مداخله آموزشی تحت عنوان طراحی برنامه آموزش مهارت‌های شناختی طبق رویکرد سازایی‌گرایی میتوان زمینهای برای بهبود انگیزش پیشرفت در نوجوانان پدید آورد و میتوان با استفاده از آموزش این برنامه کارکرد آموزشی را نیز بهبود بخشید؟

## ۱-۳ اهمیت و ضرورت پژوهش

یادگیری و دستیابی نوجوانان به مهارت‌های شناختی به دلیل شرایط خاص سنی و منحصر به فرد آنان از ضرورت و اهمیت خاصی برخوردار است. لزوم یادگیری این مهارت‌ها توسط نوجوانان ریشه در ویژگی‌ها و تکالیف رشدی آنان و نیز برخی از نظریه‌های روانشناسی دارد؛ که مبانی روانشناختی یاددهی- یادگیری این حوزه را تشکیل می‌دهد. تحولات رشد شناختی نوجوانان؛ رسیدن به تفکر صوری، آگاهی از زندگی، پیش بینی آینده، تصمیم‌گیری، فرمولبندی و جستجوی راهحل برای مسائل، توجه به ممکنات و آزمودن فرضیه‌ها است که ضرورت کسب مهارت‌های شناختی را نشان می‌دهد (پیکلسمیر و دیگران، ۱۹۹۹؛ به نقل از ادیب، ۱۳۸۵).

از آن جایی که روانشناسان ضرورت توجه به انگیزش در تعلیم و تربیت را به دلیل ارتباط مؤثر آن با یادگیری جدید، مهارت‌ها، راهبردها و رفتارها متذکر شده‌اند و به اهمیت آن در تربیت نیروی انسانی، علاقه‌مند، مسئولیت‌پذیر و پرورش شهروندانی شایسته برای جامعه اشاره کرده‌اند (شهرآرای، ۱۳۸۶؛ کاوه، ۱۳۸۹) و مک کلند بر این باور است که جوامعی که افراد آن دارای انگیزه نباشند، حتی با وجود امکانات عالی و شرایط مساعد طبیعی، کمتر شانس توسعه و ترقی خواهند داشت و میزان انگیزش می‌تواند تفاوت عمده‌ای را در موفقیت و شکست افراد به وجود آورد (مک کلند، ۱۹۶۱؛ به نقل از سیف، ۱۳۶۸) این مهم است که از طریق مداخله‌های رشدی، نوجوانان را به بهبود انگیزهی پیشرفت و مهارت‌های مورد نیاز برای بالندهگی فردی و اجتماعی تشویق کنیم. از مداخله‌های مؤثر در این زمینه آموزش مهارت‌های شناختی است که به عنوان مهارت‌های ضروری برای موفقیت در حیطه‌های مختلف از قبیل مدرسه، خانه، محله و اجتماع تعریف شده‌اند (فارنریس و همکاران، ۲۰۰۷؛ به نقل از یاراحمدیان، ۱۳۸۸). آموختن این مهارت‌ها توانمندی‌های شناختی و اجتماعی را در دوره‌ی نوجوانی رشد می‌دهند که هم برای بهبود انگیزش نوجوانان ضروری به نظر می‌رسند و هم آنان را برای اتخاذ تصمیمات سازنده و رویارویی با مسائل مختلف توانمند می‌سازد.

با توجه به اهمیت مهارت‌های شناختی و نقش آن در بهبود انگیزهی پیشرفت نوجوانان در زندگی فردی و اجتماعی و از آنجا که نهادهای آموزشی مانند خانواده، مدرسه و سایر نهادهای فرهنگی برای ایجاد و توسعه چنین مهارتهایی در نوجوانان موفق نبوده‌اند (نوری قاسم آبادی و محمدخانی، ۱۳۷۹؛ ادیب، ۱۳۸۵)، در حالی که بهبود انگیزهی پیشرفت با مهارت‌های زندگی که یک بعد از آن مهارت‌های شناختی است بیشتر امکان‌پذیر می‌باشد (سپاه منصور، ۱۳۸۶)، و همچنین، نوجوانانی که در مراکز قرآنی مشغول آموزش هستند، با وجود انگیزهی بالا به دلیل داوطلبانه بودن، اما کارکرد آموزشی پایین دارند؛ بنابراین طراحی و اجرای برنامه‌ی آموزش مهارت‌های شناختی برای نوجوانان و سنجش و بررسی میزان تأثیری که این آموزشها برای انگیزهی پیشرفت و به دنبال آن کارکرد آموزشی آنان دارد، ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۱-۴ اهداف پژوهش

در این پژوهش، هدف کلی از آموزش مهارت‌های شناختی کمک به دختران نوجوان جهت شناخت و تقویت مهارت‌های شناختی و بهبود انگیزهی پیشرفت در مدرسه و اجتماع است تا بدین طریق احساس تسلط جهت رویارویی با موقعیتهای مختلف زندگی و حل مسائل مربوط به آن با برنامه‌ریزی و مدیریت مناسب زمان را کسب نموده و نگرش مثبت و سازنده با انگیزهی بالا نسبت به آینده را در وجود خود رشد دهند.

با توجه به این که آموزش مهارت‌های شناختی از عوامل مرتبط و تاثیرگذار بر کارکرد شناختی نوجوانان به شمار می‌رود، هدف دیگر این پژوهش بررسی تأثیر مداخله‌های برنامه‌ی آموزش مهارت‌های شناختی که شامل مهارت‌های حلمسئله، تصمیم‌گیری، مدیریت زمان و برنامه‌ریزی می‌باشد در ارتقای انگیزهی پیشرفت و همچنین کارکرد آموزشی نوجوانان است.



## ۱- ۵ متغیرهای پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی اثر مداخله‌های برنامه آموزش مهارت‌های شناختی بر انگیزهی پیشرفت و کارکرد آموزشی نوجوانان دختر شهر همدان پرداخته است.

بنابراین، برنامه‌ی آموزش مهارت‌های شناختی متغیر مستقل پژوهش است که تأثیر آن بر متغیرهای وابسته پژوهش یعنی انگیزهی پیشرفت و کارکرد آموزشی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## ۱- ۶ تعریف نظری متغیرها

مهارت‌های شناختی: فرایندها و فعالیتهایی که در ذهن انسان اتفاق می‌افتد، فرایندهای شناختی می‌گویند و به میزان توانایی و قابلیت‌هایی که افراد در زمینه فرایندهای ذهنی دارند، مهارت‌های ذهنی یا شناختی می‌گویند (فتحی و اجارگاه، عارفی، اسفندیاری، ۱۳۸۷).

انگیزهی پیشرفت: گنج و برلایندر (۱۹۹۲) انگیزهی پیشرفت را به صورت یک میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در زمینه یک فعالیت خاص تعریف کرده‌اند (سیف، ۱۳۸۴).

کارکرد آموزشی (پیشرفت تحصیلی): میزان دستیابی نوجوانان به اهداف آموزشی از پیش تعیین شده است که از آنان انتظار داریم تا در کوشش‌های یادگیری خود به آنها برسند (سیف، ۱۳۸۴).

## ۱- ۷ تعریف عملیاتی متغیرها

مهارت‌های شناختی: در این پژوهش، برنامه‌ی آموزش مهارت‌های شناختی شامل مهارت‌های حل مسئله و تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مدیریت زمان است که به منظور تجهیز نوجوانان به توانمندی‌های شناختی طی ۱۰ جلسه آموزشی ۹۰ دقیقه‌ای و از طریق روش‌های فعال و مبتنی بر

تجربه مانند بحث آزاد کلاسی، بارش ذهنی، تشکیل گروههای کوچک، بحث و مناظره، ارائه و دریافت پسخوراند اجراشد.

انگیزهی پیشرفت: در این پژوهش منظور از انگیزهی پیشرفت نمرهای بود که فرد در آزمون انگیزهی پیشرفت هرمنس به دست میآورد.

کارکرد آموزشی: کارکرد آموزشی نمرهای بود که فرد در آزمونهای پایان ترم در کلاسهای آموزشگاه به دست میآورد.

## فصل دو

بنیان نظری و پیشینه‌ی

پژوهش

## ۲-۱ مقدمه

نوجوانی دوره‌ای است انتقالی که با ویژگی عمده کشف خویشتن و تعالی اجتماعی همراه است (کلبرگ، ۱۹۷۶؛ در خدایاری فرد، ۱۳۸۷). رشد در این دوره، دربرگیرنده تعامل بین عوامل زیستی، اجتماعی، شناختی و تغییرات رفتاری در فرد، همراه مزایا، محدودیت - ها و چالشهای محیط اطراف اوست (شهرآرای، ۱۳۸۶). مداخله‌های گوناگونی برای کمک به نوجوانان جهت رشد سالم و انطباقی اجتماعی موفق آنها در این دوره و دوره‌های بعدی زندگی، توسعه یافته است. یکی از این مداخله‌ها، آموزش مهارت‌های شناختی است که به منظور رشد و توسعه مهارت‌های تحصیلی و افزایش انگیزش طراحی شده و یک عنصر آموزشی اساسی و مؤثر برای مدارس، مراکز مشاوره، سازمان بهداشت و غیره به حساب می‌آید (بروکز، ۱۹۸۴؛ در آقاجانی، ۱۳۸۱).

همچنین برای رسیدن به توسعه و پیشرفت در یک جامعه می‌بایستی به یکی از مهم‌ترین اهرمها یعنی آموزش و برنامه‌ریزی در سطوح ملی توجه نمود. در صورتی که بتوانیم در سیستم آموزشی جامعه خود به این سطح برسیم آنچه را که آموخته ایم به عمل آوریم و دانسته‌های خود را مطابق با شناخت کافی از نیازها هماهنگ نمائیم، آنگاه می‌توانیم امیدوار باشیم که با عنوان یک فرد کارآمد، پویا و فعال در جامعه عمل نموده ایم.